

Majallah Tahqiq
Research Journal of
the Faculty of Oriental Learning
Vol: 34, Sr.No.93, 2013 pp 65 - 72

مجله تحقیق
مجله کلیه علوم شرقیه
جلد ۳۴، اکتوبر- دسمبر ۲۰۱۳ء، شماره ۹۳

مثنوی گربه نامه سروده ظهور اللہ

☆ دکتر محمد ناصر، دکتر محمد صابر

Abstract:

Persian's impact and influence on sub-continent's culture and literature can never be ignored. Thousands of poets of this land have produced some magnificent verses in this sweet language. Zahurullah was a Persian poet of Sub-continent in 12th and 13th century A.H. A Mathnawi titled "Gorbeh Nameh" unpublished so far, has been edited and evaluated in this article.

Key words: Persian poetry, Sub-continent 12th & 13th century A.H, Zahurullah

ظهور اللہ فرزند نور اللہ شاعر فارسی گوی شبہ قارہ کہ بہ گمان غالب در قرن دوازدهم یا سیزدهم هجری قمری می زیسته است (منزوی احمد ۱۳۶۶ ش: ۱۵۰۵/۸) او یک مثنوی دارد بہ نام گربه نامه کہ در گنجینہ آذر بہ شمارہ ۳۶۸-۷۵۸۶ در کتابخانہ مرکزی دانشگاه پنجاب، لاہور نگہداری می شود و این نسخہ منحصر بہ فرد بہ خط نستعلیق توسط اکبر علی کرتارپوری در ماہ رجب ۱۲۹۵ هجری قمری نوشتہ شد (نوشاہی، خضر عباسی ۱۳۶۵ ش: ۲۹۱) اطلاعات معتبری دربارہ سراینده مثنوی گربه نامه بہ دست نرسیدہ است۔ اما در مثنوی اشارہ شد کہ این

☆ اعضای هیات علمی گروہ فارسی دانشگاه پنجاب، لاہور، پاکستان

قصه را شاعری به نام اشرف لاهوری به زبانِ هندی سروده بود و ظهورالله آن را به شعر فارسی انتقال داد۔ بگفته خود ظهورالله اصلی منظومه اشرف لاهوری بسیار کوتاه بود و ظهورالله بر اصلی قصه اییاتی را افزوده است تا برای خوانندگان جالب تر باشد۔

خلاصه مثنوی:

این مثنوی مشتمل بر ۱۰۳ بیت است، شاعر در آغاز مثنوی به حمد باری تعالی و سپس به ستایش پیغمبر اکرم و آل رسول و اصحاب اجمعین پرداخته و از خداوند متعال خواستار شفاعت پیغمبر اسلام شده است۔

شاعر ذکر شاهزادگان از جمله تارا سنگه، شیر سنگه، شمشیر سنگه و کرپال سنگه آورده، ذکر خلیفه سعدالله را نیز کرده است۔ سپس به اصلی قصه پرداخته که در شهر لاهور گربه ای برای مکرو تنویر خود معروف بود، یک روز وارد میخانه شد و از خدا خواست که موشی به دستش برسد۔ دعایش مستجاب شد، یک موش از یک گوشه ای به سوی شراب شتافت و پس از خوردن کاسه شراب حواس خود را باخت و لاف زد که اگر گربه ای پیش او بیاید، گوشتش را می خورد، پوستش را می کند و استخوانش را می درد، اما بد بختانه همان لحظه به دست گربه افتاد۔ موش فوری پوزش طلبید۔ گربه نه تنها که عذرش را پذیرفت بلکه افزود که ازین به بعد هیچ موشی را آزار نخواهد رساند۔ آن موش معصوم و ساده پیام گربه را به قوم موشان رساند و همه آنها حرفهای گربه را باور کرده، در برابر گربه حضور پیدا کردند۔ گربه که منتظر فرصتی بود، همه موشها را خورد۔ در پایان شاعر بار دیگر خواستار شفاعت پیغمبر شده و برای والدین و برادران خودش از خداوند متعال شادی و آبادی را طلبیده است۔

متن مثنویگربه نامه:

۱ قل الحمد و بعدش ثنای عظیم به احمد بلامیم واحده میم

- | | | |
|----|------------------------------|--------------------------------|
| ۲ | پس از حمد بی حد پروردگار | که اسری به عبده به لیل القرار |
| ۳ | پس از نعت بی حد حبیب خدا | که دادش به سرتاج معراج را |
| ۴ | به یاران و برآل و اصحاب چار | کنم از دل و جان نثارا نثار |
| ۵ | به فضل کریم و به لطف رسول | کنم من بیان تا بیابد قبول |
| ۶ | یکی شخص اشرف به لاهور بود | کزو قصه گربه مشهور بود |
| ۷ | خدایش دهد جا به جنت مدام | طفیل محمد علیه السلام |
| ۸ | و لیکن به هندی زبان گفته بود | تو گویی که در سلك دُر سفته بود |
| ۹ | منم بنده عاجز و پُر گناه | ز نور الهی ز نوراله |
| ۱۰ | بگفته تلامیز از جانی عزیز | که هر يك ازان بود اهل تمیز |
| ۱۱ | همه شاهزاده ز بخت بلند | فکنده عد و راز تحت بلند |
| ۱۲ | جوان و جوان بخت روشن ضمیر | به دولت جوان و به تدبیر پیر |
| ۱۳ | یکی تارا سنگه و دگر شیر سنگه | سیوم نام او هست شمشیر سنگه |
| ۱۴ | چهارم ازان جمله کر پال سنگه | که پشت عدو بشکند وقت جنگ |
| ۱۵ | نگه دار یارب به فضل خودش | بپرهیز ز آسیب چشم بدش |
| ۱۶ | ز همراهی آن عزیزان صدر | که هر يك ازان است چون ماه بدر |
| ۱۷ | خلیفه به سعد الله موسوم بود | به دوران سهمیش چو معلوم بود |
| ۱۸ | بجز ذکر حق قیل و قالش نبود | بجز یاد احمد خیالش نبود |
| ۱۹ | محمد بخش بود نامش دگر | به خوبی مثالش نبوده دگر |
| ۲۰ | خدایش عزیز و سلیمش کناد | محمد شفیع و کریمش شواد |
| ۲۱ | اشارت نمودند گر آرزو | عزیران برآید زهی آرزو |
| ۲۲ | همان قصه نیک و خوش فال را | همان نامه خوب و خوشحال را |

- ۲۳ به پارس زبان نظم کردم شتاب
که باشند از خوانندش بهره یاب
- ۲۴ و لیکن نمودم دراز و طویل
اگر چه بگفت آن مصنف قلیل
- ۲۵ که تا آن، عزیز و دگر اهل شوق
ز تطویل این قصه یابند ذوق
- ۲۶ به فکر و تأمل نگفتم سخن
شناسنده آهو نگیرد به من
- ۲۷ امیدم چنین است ز اهل قلم
که حشوم بپوشد به ذیل کرم
- ۲۸ به روز آدینه مداد و قلم
گرفته به دست و بگفت این دلم
- ۲۹ که قصه عجیب یاد دارم ز دوش
اگر بشنوی خوب با گوش هوش
- ۳۰ یکی گربه در شهر لاهور بود
نه بُد گربه بل شیر پُر جور بود
- ۳۱ چو مهتاب روشن جبینش ز نور
همه وقت ماندی به فرح سرور
- ۳۲ چو حمله زدی موش را جلد تر
به نازک بدن گشتی زیر و زبر
- ۳۳ عجب لعبتی مکر و تزویر بود
زمکرو حیل نقش و تصویر بود
- ۳۴ در آنجا چنان خانه می فروش
که هر کس ببیند بیاید بجوش
- ۳۵ نهاده در آن خانه چندین قطار
ز خُمهای پُرمل ز حد بی شمار
- ۳۶ در آن خانه یک روز آن گربه رفت
تو گویی که از شوق بر شد به تخت
- ۳۷ به یک گوشه بنشست و نظرش به راه
که موشی بیاید به اذنِ اِلَهِ
- ۳۸ چنان در کمین گاه دلبند گشت
بدانی که با خاک پیوند گشت
- ۳۹ بگفتی الهی منم عجز نقش
بسا گرسنه زود موشم ببخش
- ۴۰ دعایش به درگاه شد مستجاب
یکی موش از گوشه شد بر شراب
- ۴۱ بیاید می خم ذنب را فشانند
ولی بی خبر ز اینکه اجلش نشاند
- ۴۲ چو نوشید یکی کاسه شد مست خیز
بگفتی انا الحق چو منصور تیز
- ۴۳ منم شیر، نی دیگری گربه سر
بیاید به خونش کنم دنده تر

- ۴۴ اگر گربه آید خورم گوشتش دگر استخوانها و هم پوستش
- ۴۵ چو گربه ز موش این سخن گوش کرد بخورد همان موش صد گوش کرد
- ۴۶ چنان جمله بر موش پر جوش کرد که جمله خودی را فراموش کرد
- ۴۷ چو دانست آن موش با مرگ جفت که می میرم اکنون به سنور گفت
- ۴۸ منم موش عجز تویی گربه شاه ترا قسم ربی ببخش این گناه
- ۴۹ اگر باده هرگز نیوشیدی می بر چون توشاهی نحوشیدی می
- ۵۰ اگر چه نمود ند لطایف حیل و لیکن نه بگذاشت کردش قبل
- ۵۱ چو آن موش را گربه خوردن نمود به جایی نمازی نشین گشت زود
- ۵۲ چو آن فاز مقتول و ماکول گشت به تسبیح تهلیل مشغول گشت
- ۵۳ چنین گفت گربه که ای کار ساز تویی خالق و از همه بی نیاز
- ۵۴ به توبه به تو گویم اکنون سخن نخواهم که موشی برنجد زمن
- ۵۵ چو دانم که ظالم به دوزخ رود اگر موش رنجد ز من بد بود
- ۵۶ به سوراخ موشی سخن چون شنید به موشان دیگر به شادی دوید
- ۵۷ به شادی و فرحت بگفت این سخن که ای اهل خوف و دگر اهل ظن
- ۵۸ مباحشید غمگین زرنج و هراس که گر به نموده فقیری لباس
- ۵۹ ز هر موشی آواز شکر خدا برآمد که خالق تویی غم ربا
- ۶۰ از آن قوم موشان سردار هفت بدیدار رفتند با مال و رخت
- ۶۱ بر گربه با تحفه حاضر شدند چو طفلان بشادی به مادر روند
- ۶۲ به دست یکی طاش کشمش انار به دست دگر توشه شاهوار
- ۶۳ یکی خوان پُر میوه بر کتف کرد بشادی سوی گربه با عطف کرد
- ۶۴ غرض موشها چون برای سلام دویدند و گشتند حاضر تمام

- ۶۵ بدیدند گان گربه جایی نماز نشین است پی عجز و فقر و نیاز
- ۶۶ چو گر به همه موشها را بدید به درگاه حق شد شنایان حمید
- ۶۷ که رزاق هر کس تویی بی گمان تویی نیک کشاف رازِ نِهان
- ۶۸ چنین گفت گر به که این بد طعام بکن دور از چشم من موش خام
- ۶۹ چنین گفت گر به همه موش را خدا نیک بخشد شما را جزا
- ۷۰ توکل نمودم به روزی رسان مرا حاجتی هیچ نی ز این و آن
- ۸۱ همه موشها گفت راضی شوید حلال این غذا هست جلدی خورید
- ۸۲ حلال است و بس پاک قسم رسول چنین خوش غذا کرد باید قبول
- ۸۳ حرام است از مالِ سُرقَت طعام مرا حاجتی نیست بخورم حرام
- ۷۴ و لیکن بیابید نزدیک من که پوشیده در گوش گویم سخن
- ۷۵ چو آن موش نزدیک گربه رسید بشادی و فرحت به سینه کشید
- ۷۶ غرض جملگاران را به پهلوی خویش نشاند و کرم کرد راندازه بیش
- ۷۷ چو گشتند بی فکر و رنج از سنّور چنان حمله زد گربه نیک طور
- ۷۸ که دو در دهانش دو در دست کرد غرض جملگان را گلو بست کرد
- ۷۹ دویدند دو موش خالی ز هوش به موشان دیگر به شور و خروش
- ۸۰ که کشتی عمر همه نسل ما فرو برد گربه به ورطه فنا
- ۸۱ به گلزارِ ما صدمه باد خزان ز تقدیر قادر رسید این زمان
- ۸۲ چه سازیم کین آفتِ ناگهان به خاک عدم کرد ما را نِهان
- ۸۳ که دست اجل رخت هستی بسوخت به سرهای ما کوس رحلت بکوفت
- ۸۴ به وقتی که گربه ستم پیشه بود بخوردی یک موش این حرفه بود
- ۸۵ چو اکنون شده زاهد و ورد خوان هزاران خورد موش در یک زمان

- | | | |
|-----|------------------------------|--------------------------------|
| ۸۶ | عجب مومن و مسلمان گشته است | که صد موش را این زمان کشته است |
| ۸۷ | چو موشان شنیدند باز این ستم | که بر قوم ما گریه کرد این ظلم |
| ۸۸ | چنان شور و فریاد کردند تیز | که گویی نمودار شد رستخیز |
| ۸۹ | و لیکن بگفتند گان موش گر | بیاده نکردی دهن خویش تر |
| ۹۰ | نرفتی چنین جور هرگز برو | بماندی همه قوم ما سرخرو |
| ۹۱ | چو آن بی خرد باده را نوش گرد | به جان بردن قوم هم نوش کرد |
| ۹۲ | ندانی که عاصی به بحر فناه | برو کشتی عالمی بی گناه |
| ۹۳ | ظهور الله آخر پیرسم ز تو | کزین کار، ایمان بماند بگو |
| ۹۴ | گر ایمان بخواهی طفیل رسول | بنه سر که افتی به درگاه قبول |
| ۹۵ | اگر نیکویی بایدت بی شمار | شنا گوی بر آل و اصحاب چار |
| ۹۶ | اگر مخلص بایدت ای غم اسیر | قدم بوس شو حضرت دستگیر |
| ۹۷ | اگر پاک خواهی تن خاک را | بیا یاد کن مرشد پاک را |
| ۹۸ | الهی طفیل نبی الکریم | به تاج نبوت چو در یتیم |
| ۹۹ | چنین عاجزی را به نام حسین | به سردارش از سایه والدین |
| ۱۰۰ | دو اخوین او را بداری نگاه | که عبدالله و عنایت الله |
| ۱۰۱ | به عمر طبعی رسند شاد باد | خدای جهاندار زو شاد باد |
| ۱۰۲ | دگر حق داران و امید وار | خدایا بداری بدین برقرار |
| ۱۰۳ | دعایم کند هر که خواند مدام | حکایت برین ختم شد والسلام |

تمت تمام شد گریه نامه تصنیف بنده درگاه ظهور الله ابن میان نور الله مرقد

هم دستخط بنده فقیر حقیر اکبر علی کرتارپوری حال وارد امرتسر به جلدی تمام

اختتام یافت والله اعلم بالصواب تحری ربه تاریخ رجب ۱۲۹۵ هجری۔

مقدسه معلی

نوشته بماند سیاه بر سفید
الهی هر آن کس که این خط نوشت عفو کن گناهش عطا کن بهشت
نویسنده را نیست لمحہ امید

ویژگی های هنری :

- بیت ۹۵.۴- اصحاب چار: اشاره به چهار خلیفه از جمله حضرت ابوبکر،
حضرت عمر، حضرت عثمان و حضرت علی
بیت ۱۱- عدو را از تخت بلند افگندن: کنایه برای شکست دادن
بیت ۱۴- پشت عدو شکستن: کنایه برای پیروزی و کامگاری
بیت ۱۶- عزیزان صدر چون ماه بدر: تشبیه
بیت ۱۸- قیل و قال: جناس
بیت ۲۲- خوش فال و خوش حال: جناس
بیت ۲۴- طویل و قلیل: تضاد
بیت ۲۹- باگوش هوش شنیدن: کنایه برای ارتکاز توجه
بیت ۳۱- جو مهتاب روشن جبینش ز نور: تشبیه
بیت ۳۲- زیر و زبر: تضاد
بیت ۳۳- مکر، تزویر و حیل: مراعات النظیر
بیت ۳۸- با خاک پیوند گشتند: کنایه برای پنهان شدن و ناپدید گشتن
بیت ۴۲- انا الحق گفتن منصور: تلمیح
بیت ۴۶- موش و جوش: جناس
بیت ۶۵- نماز و نیاز: جناس؛ عجز، فکر و نیاز: مراعات النظیر
بیت ۸۱- باد خزان در گلزار وزیدن: کنایه برای پژمردن و افسردن

کتاب شناسی:

- ۱- منزوی، احمد (۱۳۶۶ش) فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، جلد هشتم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- ۲- نوشاهی، حضر عباسی (۱۳۶۵ش) فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه پنجاب، لاهور، گنجینه آخر، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.

